

همکاری‌های منطقه‌ای: چارچوبی برای گسترش روابط ایران و مصر

اصغر جعفری ولدانی*

چکیده

در این نوشتار راهکارهای منطقه‌ای برای گسترش روابط ایران و مصر مورد بررسی است. در این راستا، با نگاهی به راهکارهای فراگیر منطقه‌ای، تأثیرات حوادث ۱۱ سپتامبر بر احتمال همکاری ایران و مصر، ضرورت ایجاد «نظم امنیتی نوین منطقه‌ای» و امکان ایجاد «سازمان همکاری اقتصادی خاورمیانه» بحث شده است. نویسنده عقیده دارد که ایران و مصر حداقل در کوتاه مدت، امکان همکاری در چارچوب طرح‌های فراگیر منطقه‌ای را ندارند. بنابراین، در آینده استراتژی مسلط، منطقه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی نخواهد بود و عالی‌ترین سطح قابل حصول، گونه‌ای از همکاری‌های کارکردی در چارچوب گروه دی - ۸، گروه ۱۵ و سازمان کنفرانس اسلامی است.

مقدمه

ایران و مصر از دیرباز با یکدیگر ارتباط و در پایه‌گذاری و گسترش فرهنگ و تمدن بشری نقشی بسیار تعیین‌کننده داشته‌اند. با پیروزی انقلاب ایران، روابط دو کشور قطع شد، اما

* استاد دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر مسائل خاورمیانه.

اکنون پس از گذشت ۲ دهه، دو کشور بار دیگر به درک مشترکی برای توسعه روابط رسیده‌اند. سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است: چگونه می‌توان روابط دو کشور را توسعه داد؟ همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند چارچوب مناسبی برای گسترش روابط ایران و مصر باشد. این نوع همکاری تأثیرات مثبت و مطلوبی بر روند تحولات منطقه دارد و به روند اعتمادسازی بین کشورهای منطقه کمک می‌کند. هدف این مقاله بررسی راهکارهای منطقه‌ای برای گسترش روابط ایران و مصر است. در این نوشتار ابتدا امکان گسترش روابط دو کشور در چارچوب ایجاد «نظم امنیتی نوین در خاورمیانه»، «طرح از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی» و تأسیس «سازمان همکاری اقتصادی خاورمیانه» بررسی می‌شود، سپس همکاری‌های کارکردی ایران و مصر در چارچوب گروه ۸، گروه ۱۵ و سازمان کنفرانس اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، اما نخست باید این مسئله را مورد بررسی قرارداد که آیا پیامدهای منطقه‌ای ناشی از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌تواند زمینه مناسبی برای توسعه روابط ایران و مصر باشد.

پیامدهای منطقه‌ای ناشی از ۱۱ سپتامبر:

چارچوبی برای توسعه روابط

در پی حوادث ۱۱ سپتامبر تهدیدات جدیدی متوجه برخی از کشورهای خاورمیانه شده است. آمریکا بعد از حمله به افغانستان اعلام کرده است که قصد حمله به عراق برای برکناری صدام حسین را دارد. حتی گفته می‌شود که دولت ایالات متحده آمریکا برنامه گسترده‌ای در مورد خاورمیانه دارد که تغییر رژیم عراق بخشی از آن است. هدف آمریکا تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه است و گفته می‌شود که جنگ از کشوری به کشور دیگر ادامه خواهد یافت.

در این مورد چند سناریو مطرح شده است:

(۱) بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق، نوبت به سایر کشورهای منطقه خواهد رسید. گفته می‌شود که ایران، عربستان سعودی، مصر، سوریه و... اهداف بعدی آمریکا خواهند بود. «حرمی بینی»، تحلیل‌گر مجله جینز، با اشاره به ایران، عراق و کره شمالی به عنوان محور شرارت، می‌گوید که اگر آمریکا در خلع صدام حسین موفق شود، یک کشور از محور شرارت کم می‌شود و ایران در نوبت بعدی خواهد بود.^۱

(۲) آمریکا در صدد ایجاد حکومت‌های جدیدی در خاورمیانه است که با اسرائیل دشمنی نورزند و از بنیادگرایی اسلامی حمایت نکنند. در حال حاضر برخی از دولت‌های خاورمیانه هم با اسرائیل خصومت دارند و هم متهم به حمایت از تروریسم هستند. اکثر رهبران کشورهای خاورمیانه از آن بیم دارند که حمله آمریکا به عراق، زمینه‌ای برای خلع خود آنها را فراهم آورد.

(۳) احتمالاً برخی از کشورهای خاورمیانه تجزیه خواهند شد. گفته می‌شود که عربستان به ۳ قسمت تجزیه می‌شود، بخشی از آن با توجه به سابقه تاریخی به اردن واگذار خواهد شد و در مقابل، بخشی از خاک اردن در اختیار اسرائیل قرار خواهد گرفت تا این کشور به خلیج فارس نزدیک شود.^۲ احتمال تجزیه عراق نیز وجود دارد. همچنین دوباره طرح تجزیه خوزستان ایران مطرح شده است.^۳ تحلیلگران عرب معتقدند که مصر و سوریه نیز تجزیه خواهند شد.^۴

(۴) وجود یک عراق آزاد و دموکراتیک پس از صدام حسین می‌تواند برای برخی کشورهای خاورمیانه مانند مصر و عربستان خطرناک باشد. در صورت ایجاد چنین دولتی، مصر و عربستان به علت جو بسته و شیوه حکومتی غیر دموکراتیک شدیداً تحت فشار قرار خواهند گرفت. مصر که از کشورهای میانه‌روی عرب است، منزوی خواهد شد.

(۵) خاورمیانه دچار ناآرامی و بی‌ثباتی می‌شود. در صورت حمله نظامی آمریکا به

عراق، این ایده که جنگ آمریکا با تروریسم در واقع جنگ با اسلام است، تقویت خواهد شد. چنین جنگی سبب عمیق‌تر شدن احساس خشم و نفرت اعراب نسبت به آنچه بر مردم عراق و فلسطین می‌گذرد، خواهد شد. علاوه بر آن، احزاب قومی و تجزیه طلب در منطقه فعال خواهند شد.

مناسبات ایران و آمریکا که از سال‌ها قبل تیره بود، به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر به خصومت تبدیل شد به طوری که ایران «محمور شرارت» لقب گرفت. ایران متهم به نقض حقوق بشر، حمایت از حماس و جهاد اسلامی، حمایت از تروریسم، پناه دادن به سران و اعضای القاعده و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی شده است. نطق بوش در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ در حقیقت تهدید نظامی ایران در آشکارترین شکل آن بود.

در این میان، مناسبات آمریکا با مصر نیز به تیرگی گراییده است. مصر از دوستان و متحدان آمریکا در خاورمیانه به‌شمار می‌رود و در ۱۹۹۱ در ائتلاف نظامی آمریکا برای حمله به عراق شرکت کرد. آمریکا اعلام کرد که از ۱۹ هواپیماریا در حمله به برج‌های سازمان تجارت جهانی و پنتاگون، ۱۵ نفر تبعه عربستان و ۴ نفر دیگر تبعه مصر یا به عبارت دیگر، همه آنها خاورمیانه‌ای تبار بوده‌اند.

آمریکا در نخستین واکنش خود در قبال مصر، اعلام کرد که برای اولین بار از زمان انعقاد عهدنامه کمپ دیوید در ۱۹۷۹، دولت بوش تصمیم گرفته است که کمک‌های سالانه مازاد بر ۲ میلیارد دلار به مصر را قطع کند^۵. این اقدام آمریکا سبب قطع کمک ۱۵۰ میلیون دلاری سالانه این کشور به مصر می‌شود. در اقدامی متقابل، اسامه الباز، مشاور سیاسی حسنی مبارک، اظهار داشت که این کشور عبور کشتی‌های آمریکایی برای مشارکت در جنگ عراق را از کانال سوئز ممنوع خواهد کرد^۶. در گام بعدی، آمریکا فشار بر مصر را شدت بخشید و «نگرانی‌های» خود را از نقض حقوق بشر در مصر اعلام کرد. به نوشته مطبوعات آمریکا، سعدالدین ابراهیم، «یک مروج پیشتاز دموکراسی»،

توسط دولت به ۷ سال زندان محکوم شده است.^۷ وی استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه آمریکایی قاهره و دارای تابعیت مضاعف آمریکایی - مصری است. نامبرده به اتهام همکاری با بیگانگان و به خطر انداختن امنیت ملی مصر محکوم شده است.

نشانه‌ها همچنین حاکی از تغییر سیاست آمریکا نسبت به عربستان است. به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر، آمریکا خواستار متوقف ساختن کمک‌های مالی این کشور به سازمان‌ها و مدارس مذهبی در کشورهای مختلف جهان و ضرورت بازنگری در کتاب‌های درسی این کشورها شده است. همچنین گزارش ارائه شده توسط «مؤسسه پژوهشی راند»، در راستای سیاست اعمال فشار آمریکا علیه عربستان است. این گزارش تأکید دارد که ریاض به دشمن آمریکا تبدیل شده است و چنانچه از تأمین مالی مبارزان اسلامی در سراسر جهان دست بردارد و اظهارات ضداسرائیلی و آمریکایی را در عربستان متوقف نکند، چاه‌های نفت و حساب‌های بانکی این کشور در خارج باید هدف قرار گیرد.^۸

بیش از ۶۰۰ نفر از خانواده‌های قربانیان حادثه ۱۱ سپتامبر علیه مقامات سعودی به اتهام تأمین مالی شبکه تروریستی بن‌لادن اقامه دعوی کرده و خواستار پرداخت ۳ تریلیون دلار غرامت شده‌اند. برخی در آمریکا خواستار تهدیدات بیشتر علیه عربستان و تقسیم این کشور به چند پادشاهی یا چند امیرنشین یا شیخ‌نشین هستند.^۹ آنها همچنین مسئله تصرف چاه‌های نفت عربستان، حمله به مراکز القاعده در خاک عربستان و جایگزین کردن صادرات ۶ میلیون بشکه نفت عراق را بعد از صدام به جای صادرات نفت عربستان سعودی مطرح کرده‌اند.^{۱۰} عربستان در سال ۲۰۰۱ خواستار خروج نظامیان آمریکا از پایگاه «پرنس سلطان» در ۸۰ کیلومتری جنوب ریاض شد و در سال ۲۰۰۲ درخواست آمریکا مبنی بر تحویل ۱۶ نفر از اسرای القاعده به آن کشور را رد کرد. این اسرا را ایران به عربستان سعودی تحویل داده بود. در اقدامی دیگر، عربستان اعلام

کرد که به آمریکا اجازه استفاده از پایگاه‌های این کشور را برای حمله به عراق نخواهد داد.

اکنون سؤال این است که آیا وجود تهدیدات مشترک می‌تواند زمینه‌ساز نزدیکی بیشتر کشورهای منطقه از جمله مصر به ایران گردد. تا اواخر سپتامبر ۲۰۰۲ نشانه‌ها حاکی از مخالفت بیشتر کشورهای خاورمیانه با حمله نظامی آمریکا به عراق بود. در این راستا پس از مذاکرات وزیران امور خارجه ایران و مصر اعلام شد:

- ۱) هر دو کشور با حمله نظامی آمریکا به عراق مخالف‌اند؛
- ۲) ایران و مصر مخالف مداخله در امور داخلی عراق (حمایت آمریکا از گروه‌های مخالف دولت عراق) هستند؛
- ۳) هر دو کشور خواستار حفظ تمامیت ارضی عراق هستند؛
- ۴) ایران و مصر بر ضرورت انجام تلاش‌های دیپلماتیک و اجرای مصوبه‌های شورای امنیت از سوی عراق تأکید دارند.

عربستان سعودی نیز در این مورد با ایران و مصر هم‌صدا شد و نظرات این دو کشور را تأیید کرد. در این خصوص، سعود الفیصل، وزیر امور خارجه سعودی، در اوت ۲۰۰۲ از تهران دیدار کرد و متعاقب آن، رئیس‌جمهور ایران نیز در سپتامبر همین سال یک دیدار غیرمنتظره از ریاض به عمل آورد. عمده محور گفتگوها در تمام این دیدارها، حمله نظامی آمریکا به عراق بود.

واقعیت این است که کشورهای عربی در جایگاهی قرار ندارند که در قبال حمله آمریکا به عراق به‌طور جدی موضع‌گیری کنند. کشورهای عربی تصمیم گرفته‌اند تا از طریق نزدیکی به ایران خط مشی مشترک منطقه‌ای اتخاذ کنند، ولی در این مورد با یکدیگر وحدت نظر ندارند. مخالفت ایران، مصر و عربستان با حمله نظامی آمریکا به عراق بی‌تأثیر نیست، ولی نقش بازدارنده‌ای را ایفا نخواهد کرد. بنابراین، موضع‌گیری

این کشورها در مخالفت با حمله آمریکا به عراق، تأثیر زیادی در برنامه‌های اعلام شده کاخ سفید نخواهد داشت.

از سوی دیگر، اتحادها و ائتلاف‌ها به شدت در جهان عرب ناپایدار است. کشورهای عربی به قراردادهای رسمی خود با یکدیگر احترام نمی‌گذارند و به آسانی نظرات خود را تغییر می‌دهند. به عنوان مثال، مصر در آخرین اظهار نظر، حمله نظامی آمریکا به عراق را پذیرفت مشروط به اینکه در چارچوب سازمان ملل متحد انجام شود. احمد ماهر، وزیر امور خارجه مصر، اعلام کرد که مصر به دلایل عملی و اساسی نمی‌تواند حمله نظامی آمریکا به عراق را تأیید کند؛ با این حال، اگر سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای علیه عراق به تصویب برساند، آنگاه مصر از مشروعیت بین‌المللی و قطعنامه‌های آن حمایت خواهد کرد.^{۱۱} مصر حتی اعلام کرد که آمادگی دارد تا سناریوی محمدرضا پهلوی را درباره صدام حسین اجرا کند و به وی و خانواده‌اش پناهندگی دهد. براساس طرح مصر، به صدام حسین تضمین داده می‌شود که پس از خروج از عراق، تحت تعقیب و محاکمه قرار نگیرد؛ همان‌گونه که محمدرضا پهلوی پس از ترک ایران در مصر اقامت گزید.^{۱۲}

واقعیت این است که عراق سرسخت‌ترین رقیب مصر در جهان عرب است و حسنی مبارک به صدام حسین اعتماد ندارد و از زرادخانه عراق نگران است و از این رو، تمایل به از بین بردن تسلیحات استراتژیک عراق و کاهش زرادخانه آن تا حد متعارف دارد. در عین حال، مصر از اینکه تخریب نظامی عراق، قدرت سه کشور غیرعرب منطقه - اسرائیل، ترکیه و ایران - را ارتقا دهد، نگران است. توجه مصر بیشتر معطوف به ایران است.

در هر حال، واقعیت‌های عربیان منطقه‌ای را نباید نادیده گرفت. هیچ کشور عربی یا غربی خواستار اعتلای قدرت اقتصادی - سیاسی و نظامی ایران و ارتقای جایگاه آن در نظام جهانی و منطقه‌ای نیست. کشورهای بسیاری در آرزوی روزی هستند که ایران نیز

همانند عراق با بازیگران اصلی نظام جهانی درگیر شود و زیر بناهای اقتصادی، نظامی و انسانی آن از بین برود. در منطقه و در سطح جهان، واقعیت‌گرایی حاکم است؛ همه کشورها در صدد به حداکثر رساندن قدرت خود به زیان دیگران هستند. هیچ کشوری حاضر نیست آرمانخواهانه در کنار ایران قرار بگیرد و به دفاع از آن بپردازد^{۱۳}. ایران باید به گونه‌ای رفتار کند که بهانه‌ای به دست بهانه‌جویان منطقه‌ای و بین‌المللی ندهد. منافع ملی ایران در وهله نخست، در قبال ایرانیان معنا می‌یابد و در مرحله بعد، در عدم درگیری در مسائل منطقه و ادامه سیاست تنش‌زدایی نهفته است.

ایجاد نظم امنیتی نوین منطقه‌ای

حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک، پنسیلوانیا و واشنگتن دی.سی منجر به دخالت گسترده نظامی آمریکا در خاورمیانه شد. این واقعه پرسش‌های متعددی را مطرح نمود؛ از جمله: چرا دولت‌های فرامنطقه‌ای به سادگی در امور داخلی منطقه دخالت می‌کنند و دولت‌های منطقه توانایی واکنش فعالانه در قبال آن را ندارند؟ چرا مسائل و مشکلات خاورمیانه همواره ابعاد نظامی و امنیتی می‌یابد و دولت‌های منطقه برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و بحران‌ها هیچ‌گونه همگرایی از خود نشان نمی‌دهند؟

پاسخ این است که خاورمیانه فاقد ترتیبات امنیتی مشخص یا به عبارت دیگر، یک سازمان امنیت منطقه‌ای فراگیر است. در برخی از مناطق جهان چنین ترتیبات امنیتی وجود دارد که در این مورد می‌توان از «کنفرانس امنیت و همکاری اروپا» نام برد. البته فکر ایجاد چنین ترتیبات منطقه‌ای از دیرباز در خاورمیانه نیز وجود داشته است. در سال ۱۹۴۸ وزیر امور خارجه ترکیه طرح ایجاد یک سازمان دفاعی در خاورمیانه را ارائه کرد. وزیر امور خارجه یونان نیز ضمن حمایت از این طرح، خواستار انعقاد پیمانی میان ترکیه،

یونان، مصر، عراق، لبنان، سوریه، عربستان سعودی، اردن، ایران و پاکستان شد. در سال ۱۹۵۰ دولت‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه اعلامیه سه جانبه‌ای صادر و بر لزوم تشکیل فرماندهی نظامی خاورمیانه تأکید کردند. در اکتبر ۱۹۵۱ در پایان کنفرانس آنکارا که ترکیه و یونان به عضویت ناتو پذیرفته شدند، اعلامیه‌ای انتشار یافت و کشورهای عضو ناتو تأسیس فرماندهی نظامی خاورمیانه را مفید و لازم دانستند.

اما به‌طور کلی کشورهای خاورمیانه از این طرح‌ها استقبال نکردند. دولت ایران در این زمان در قضیه ملی شدن نفت با دولت انگلیس درگیر بود و اصولاً شرکت در این پیمان‌ها با سیاست موازنه منفی دولت دکتر مصدق منافات داشت. دولت مصر نیز که در این زمان برای کسب استقلال با انگلیس درگیر مبارزه بود، به آن پاسخ منفی داد و در واکنش به آن، قرارداد ۱۹۳۶ خود با انگلستان را یک‌جانبه لغو کرد. سایر کشورهای خاورمیانه نیز که هدف از تشکیل چنین سازمانی را دشمنی با شوروی می‌دانستند، به آن پاسخ منفی دادند.^{۱۴}

با سقوط دولت مصدق، تلاش برای انعقاد پیمان دفاعی خاورمیانه از سر گرفته شد که در ۱۹۵۵ پیمان بغداد را به دنبال داشت و بعد از کودتای عراق در ۱۹۵۸ نام آن به «سنتو» تبدیل شد. این پیمان که در انعقاد آن، دولت‌های فرامنطقه‌ای نقش داشت و اساساً زائیده جنگ سرد بود، نه تنها نتوانست به امنیت منطقه کمک کند، بلکه موجب ایجاد دو دستگی میان کشورهای خاورمیانه شد و اختلافات آنها را تشدید کرد. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، پیمان سنتو عملاً موجودیت خود را از دست داد.

در سال‌های اخیر ایجاد یک نظام امنیتی جدید در خاورمیانه دوباره از سر گرفته شده است. نتانیاهو، نخست وزیر سابق اسرائیل، در ۱۹۹۸ گفت که این رژیم می‌کوشد تا به کمک ترکیه یک نظام امنیتی جدید در خاورمیانه ایجاد کند. وی در توجیه این موضوع گفت: «ما در محاصره دولت‌های رادیکال قرار داریم که به موشک‌های بالستیک با

کلاهک‌های غیرمتعارف مجهز شده‌اند و می‌توانند از این موشک‌ها استفاده کنند. این وضعیت خطری جدی به‌شمار می‌آید که باید برای آن چاره‌اندیشی کرد.^{۱۵} همکاری‌های اسرائیل و ترکیه یکی از جلوه‌های ترتیبات امنیتی جدید در خاورمیانه است. اسرائیل و ترکیه در ۱۹۹۵ یک قرارداد همکاری نظامی منعقد کردند. قرار بود اردن نیز به این ترتیبات جدید ملحق شود. هدف این ترتیبات جدید امنیتی فشار بر سوریه، تضعیف موقعیت مصر و کنترل رفتار ایران و مقابله با افزایش توان نظامی تهران محسوب می‌شد که با آزمایش موفقیت‌آمیز موشک «شهاب ۳» افزایش یافته بود.

به‌دنبال این رخدادها، برخی پژوهشگران مصری تشکیل «گروه ۴» متشکل از مصر، سوریه، عربستان سعودی و ایران را پیشنهاد کردند. این گروه اعتقاد دارند که ایران روابط خوبی با سوریه دارد و روابط تهران با عربستان سعودی و مصر نیز رو به گسترش است. این چهار کشور اگر چه به دلایل مختلف، راه‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند، اما منافع سیاسی و امنیتی مشترک دارند. این گروه می‌تواند از نظر سیاسی و نظامی با هر تهدید منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مقابله کند.^{۱۶}

به‌طور کلی ایده یک نظم امنیتی جدید در خاورمیانه به تدریج طرفداران بیشتری پیدا می‌کند. طرفداران این دیدگاه معتقدند که ایجاد ترتیبات امنیتی جدید در منطقه نه تنها می‌تواند به موقع از سرایت بحران به سایر نقاط جلوگیری کند، بلکه مناسبات صلح‌آمیز و دوستانه را در منطقه گسترش دهد. ایجاد چنین ترتیباتی مستلزم در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های زیر است:

(۱) اعراب باید مشخص کنند که خواهان ایجاد یک نظم امنیتی جدید خاورمیانه‌ای هستند یا یک نظم امنیتی جدید عربی بدون مشارکت ایران را خواستارند که غرب سپر محافظ آن باشد؛ مانند: «شورای همکاری خلیج فارس» یا «پیمان ۲+۶»^{۱۷}.

(۲) هرگونه ترتیبات جدید امنیتی در خاورمیانه مستلزم مشارکت فعالانه همه

بازیگران سیاسی در منطقه است. ترتیبات امنیتی در منطقه مانند پیمان بغداد، پیمان ستو و پیمان ۶+۲ به این دلیل به شکست انجامید که گروهی از کشورهای منطقه این ترتیبات را بر ضد گروهی دیگر از کشورها تصور می‌کردند. یک نظام امنیتی منطقه‌ای با ثبات و مؤثر باید تمام کشورهای منطقه را در برگیرد و حساسیت و منافع آنها را مدنظر قرار دهد.^{۱۸}

۳) هرگونه ترتیبات جدید امنیتی در منطقه باید مسائل اجتماعی و اقتصادی را نیز در نظر گیرد. به گفته «کنت بوث»، ایجاد هرگونه نظام امنیتی مستلزم درجه‌ای از عدالت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. آموزه‌های سنتی امنیتی این مفهوم را نادیده می‌گرفت، اما در گفت‌وگوهای جدید، این مسئله بُعد جدا ناپذیر مفهوم امنیت تلقی می‌شود. امروزه میان امنیت کشورها و درجه توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنها ارتباط مستقیم وجود دارد. نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فقدان مشارکت سیاسی تأثیرات منفی بر امنیت کشورها می‌گذارد.

۴) ویژگی دیگر ایجاد یک نظام امنیتی جدید، نهادسازی است، مکتب کارکردگرایی سهم زیادی در طرح ایده نهادسازی بین‌المللی و نقش آن در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی داشته است. این نهاد مشترک ضمن آنکه باید برای ارزش‌های فرهنگی و عقیدتی کشورها احترام قائل شود، باید هنجارهای بین‌المللی را در منطقه مستقر کند. کار این نهاد باید میانجیگری و داوری برای حل و فصل اختلافات و پیشگیری از وقوع برخوردهای خشونت‌آمیز میان کشورها باشد.^{۱۹}

۵) استقرار یک نظام دفاعی جدید منطقه‌ای که غیرتهاجمی باشد، ضرورت دارد. اهداف این نظام باید جلوگیری از بروز بحران و جنگ، ارتقای سطح اعتماد بین کشورهای منطقه و تسریع در روند خلع سلاح باشد. بدون تردید تا زمانی که جو سوءظن و بی‌اعتمادی در خاورمیانه حاکم است، امکان استقرار چنین نظام دفاعی وجود ندارد. از

سوی دیگر، استقرار هرگونه نظام دفاعی منطقه‌ای مستلزم از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی است.

طرح از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی

ایران و مصر در زمینه از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه با یکدیگر اتفاق نظر دارند. حتی نخستین طرح‌ها در این زمینه از سوی ایران و مصر در سال ۱۹۷۴ ارائه شد. دو کشور در این سال طرحی را تحت عنوان «غیراتمی کردن خاورمیانه» به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دادند که به تصویب رسید.^{۲۰} نکات عمده طرح ایران و مصر عبارت بودند از:

- ۱) تمام کشورهای خاورمیانه باید سلاح‌های هسته‌ای خود را از بین ببرند؛
 - ۲) بازرسان سازمان انرژی اتمی بین‌المللی باید تأسیسات هسته‌ای کشورهای منطقه را بازرسی کنند؛
 - ۳) کشورهای خاورمیانه متعهد می‌شوند که از ساخت، آزمایش، دریافت و اصولاً هرگونه عملی که سبب ورود سلاح اتمی به این منطقه شود، خودداری نمایند؛
 - ۴) کشورهای منطقه باید به قرارداد «عدم گسترش سلاح‌های اتمی» بپیوندند؛
 - ۵) کشورهای دارای سلاح اتمی باید در این مورد همکاری کنند تا این امر به طور مؤثر انجام شود؛
 - ۶) از دبیرکل سازمان ملل متحد خواسته می‌شود تا کشورهای منطقه خاورمیانه را به رعایت طرح غیر اتمی کردن خاورمیانه دعوت و گزارش خود را در این مورد به شورای امنیت و مجمع عمومی تسلیم کند.
- در سال‌های بعد تحولی عمده در خاورمیانه روی داد و آن، تولید موشک‌های بالستیکی با برد زیاد، تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی، و استفاده از آنها بود.

عراق در طول جنگ با ایران به کرات از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد. از این رو، به نظر می‌رسید که طرح غیر اتمی کردن خاورمیانه باید سلاح‌های کشتار جمعی را نیز در برگیرد. بدین ترتیب، حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، در آوریل ۱۹۹۰ طرح ایجاد یک منطقه عاری از تمام سلاح‌های کشتار جمعی را پیشنهاد کرد. این طرح شامل اقداماتی برای از بین بردن تمام سلاح‌های کشتار جمعی مانند سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی در خاورمیانه بود.^{۲۱}

در طرح مصر آمده بود که کشورهای منطقه باید تعهد بدهند که این‌گونه تسلیحات را تولید ننموده، آن را وارد نکرده یا دیگران را به استفاده از آن تهدید نکنند. مصر همچنین خواستار انجام اقداماتی شده بود که موجب کاهش میزان تسلیحات، توقف مسابقه تسلیحاتی و اعتمادسازی میان کشورهای منطقه شود. ایران طرح مصر برای خلع سلاح کشتار جمعی در تمام منطقه خاورمیانه را مورد تأیید قرار داد، اما اسرائیل آن را رد کرد. حسنی مبارک با اشاره به مخالفت اسرائیل، گفت: «ما از اسرائیل می‌خواهیم که پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کند؛ زیرا اسرائیل همسایه ماست و هر چیزی ممکن است امنیت ملی ما را به خطر اندازد. با وجود زرادخانه هسته‌ای اسرائیل و نبود نظارت بین‌المللی بر آن، ما احساس امنیت نمی‌کنیم.» حسنی مبارک اتهام اسرائیل را که ایران به دنبال کسب سلاح اتمی است رد کرد و آن را بهانه‌ای از سوی اسرائیل برای از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی خود دانست. وی انتساب این استدلال به ایران بر این مبنا که «اسرائیلی‌ها سلاح اتمی دارند چرا ما نباید داشته باشیم» تکذیب کرد. حسنی مبارک افزود که تهران با امضای تمديد پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موافقت کرده است.^{۲۲}

ساخت نخستین بمب اتمی در اسرائیل در ۱۹۶۶ با کمک ژنرال دوگل آغاز شد.^{۲۳} این کشور حدود ۲۰۰ بمب اتمی در اختیار دارد. در مورد سیاست رسمی اسرائیل نسبت

به سلاح‌های هسته‌ای ابهام وجود دارد. نظر غیررسمی تل‌اویو این است که تا وقتی بسیاری از کشورهای خاورمیانه خواستار جنگ با اسرائیل و نابودی آن هستند، داشتن سلاح هسته‌ای برای اسرائیل با توجه به موقعیت ویژه این کشور لازم است. نظر اسرائیل این است که داشتن سلاح هسته‌ای جنبه دفاعی و بازدارنده دارد و سلاح تهاجمی در جنگ یا صحنه سیاسی نیست. بسیاری از مقامات اسرائیل اظهار می‌دارند که به سیستم بین‌المللی کنترل سلاح‌های هسته‌ای در کشورهای خاورمیانه اعتماد ندارند و از این رو، هیچ‌گونه تغییری در سیاست‌های هسته‌ای خود ایجاد نخواهند کرد؛ مگر اینکه صلح بین اعراب و اسرائیل در منطقه برقرار شود.^{۲۴}

به‌طور کلی اسرائیل اعتقاد دارد که این طرح به نفع اعراب و به ضرر اسرائیل به‌عنوان دارنده این سلاح‌هاست؛ در حالی که این طرح به نفع تمام کشورهای منطقه از جمله اسرائیل می‌باشد.

از سوی دیگر، در سال ۱۹۹۶ «مؤسسه تحقیقاتی خلع سلاح سازمان ملل متحد» گزارشی درباره غیر اتمی کردن خاورمیانه منتشر کرد. در این گزارش توصیه شده بود که در میان کشورهای منطقه اعتمادسازی انجام شود، کشورهای منطقه اجازه بازرسی از تأسیسات اتمی خود را به آژانس انرژی اتمی بدهند و به معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای بپیوندند، اما تل‌اویو با این خواسته نیز مخالفت کرد.^{۲۵}

به‌طور کلی ایجاد یک نظام پایدار کنترل تسلیحاتی در خاورمیانه مستلزم چند پیش شرط به شرح زیر است:

- (۱) حل مسائل مربوط به کشمکش‌های خاورمیانه (به‌ویژه مناقشه اعراب و اسرائیل)؛
- (۲) همه بازیگران منطقه‌ای را شامل شود تا آنها احساس کنند که این نظام، امنیت آنها را تضمین می‌کند و تبعیض برای برخی قائل نمی‌شود؛
- (۳) فراگیر باشد و ابعاد مختلف تسلیحات مانند جنگ افزارهای متعارف و سلاح‌های

کشتار جمعی، سلاح‌های وارداتی و تولید داخلی را در برگیرد. نظام پایدار کنترل تسلیحاتی بدون کاهش همزمان زرادخانه سلاح کشتار جمعی و متعارف استقرار نمی‌یابد؛

(۴) شامل سیستم نظارت مشترک قدرت‌های منطقه‌ای و سازمان ملل باشد.

سازمان همکاری اقتصادی خاورمیانه

خاورمیانه از نظر منطقه‌گرایی در میان وضعیت‌های منطقه‌ای جهان، یک استثنا به‌شمار می‌رود. این منطقه همیشه با سیر تحول تاریخ ناهماهنگ بوده است. از نظر روابط بین‌الملل خاورمیانه یک سیستم منطقه‌ای یا خرده نظام بین‌المللی محسوب می‌شود. از لحاظ ژئوپولیتیکی نیز خاورمیانه بدون شک یک منطقه را تشکیل می‌دهد، اما تاکنون در این منطقه ترتیبات سیاسی و اقتصادی در بُعد منطقه‌ای شکل نگرفته است؛ در حالی که این‌گونه ترتیبات در سایر مناطق جهان در حال افزایش است. در این مورد می‌توان از وحدت اروپا، پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)، سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (اپک)، اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آ.سه.آن) و بازار مشترک آمریکای جنوبی (مرکوسور) نام برد.

در خاورمیانه همگرایی اقتصادی از مرحله حرف پیش‌تر نرفته است. نتایج ضعیف بسیاری از تلاش‌های نمادین در این مورد مانند جامعه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، شورای همکاری عرب، آر.سی.دی و اکو بیانگر این مسئله است. عدم انسجام، عدم اجماع نظر، مقدم شمردن منافع داخلی بر منافع منطقه‌ای، ضعف عمده سنت‌های دموکراتیک، برتری طلبی برخی کشورهای منطقه، بحران‌خیز بودن منطقه و وجود مناقشات دائمی از دلایل عمده کارکرد ضعیف این نهادها بوده است.

با این حال، هنوز انگیزه‌های قوی برای منطقه‌گرایی وجود دارد. نتایج حاصله از

منطقه‌گرایی در توسعه اقتصادی برخی کشورهای جهان به رشد تفکرات منطقه‌گرایی در میان اندیشمندان و سیاستگذاران کشورهای در حال توسعه دامن زده است. ترتیبات منطقه‌ای با لغو محدودیت‌های تجاری و نظام هماهنگ تعرفه‌های گمرکی، زمینه مساعدی را برای تولید در مقیاس کلان و فروش در بازار منطقه به وجود می‌آورد و بستر مناسبی را برای رشد اقتصادی پویا فراهم می‌کند. تعرفه‌ها و حمل و نقل نقش به‌سزایی در قابلیت رقابت کالاها و خدمات در بازارهای مختلف دارد. در پیمان‌های تجاری منطقه‌ای این دو هزینه تعیین‌کننده در قدرت رقابت، به لحاظ توافق میان کشورهای منطقه و فاصله نزدیک‌تر این کشورها به یکدیگر (همسایه بودن آنها) به حداقل ممکن می‌رسد و از این رو، تولیدکنندگان از قدرت رقابت بیشتری برخوردار می‌شوند. در همین راستا، دسترسی تولیدکنندگان خارج از منطقه به بازار منطقه به لحاظ موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و هزینه رو به افزایش حمل و نقل در مسافت‌های طولانی، دشوارتر می‌شود.

از سوی دیگر، روند سرمایه‌گذاری در کشورهای بلوک که در قالب یک پیمان تجارت منطقه‌ای از بازاری مطمئن و در دسترس برخوردارند، رو به افزایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، ترتیبات تجاری منطقه‌ای خود عاملی برای تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی تازه محسوب می‌شوند. از همین رو، کشورهای درگیر در یک پیمان منطقه‌ای با استفاده از استعدادهای توانمندی‌های اقتصادی خود و توجه به مزیت‌های نسبی موجود و قابل خلق در چارچوب تجارت منطقه‌ای به سمت تولید کالاهای خاص برای عرضه در بازار منطقه گام برمی‌دارند. همچنین در طول زمان، تخصص‌های ویژه‌ای در هر یک از کشورهای متعاقد بروز می‌کند که از توان رقابت کافی در بازار نیز برخوردار می‌شوند. به همین دلیل، پیمان‌های تجارت منطقه‌ای می‌توانند در تقسیم کار بین‌المللی نقشی اساسی ایفا کنند.

کارشناسان اقتصادی منطقه‌گرایی را بندرگاهی امن و به‌منزلهٔ ابزاری برای رویارویی با فراز و نشیب‌های بازارهای جهانی تلقی می‌کنند. آنها همچنین منطقه‌گرایی را درجه‌ای برای اصلاحات خط مشی‌های داخلی می‌دانند. از سوی دیگر، هنگامی که یک موافقتنامهٔ تجارت منطقه‌ای شکل می‌گیرد یا تعمیق پیدا می‌کند، هزینهٔ فرصت خارج ماندن از آن برای دیگر کشورها افزایش می‌یابد؛ زیرا کشورهای عضو در بلوک تجاری مورد نظر از مزایای اقتصادی خاصی بهره‌مند می‌شوند که قدرت رقابت آنها را در بازار منطقه افزایش می‌دهد؛ بنا بر این، کشورهای خارج از این توافقنامه‌ها با دشواری رقابت در بازار منطقه مورد نظر رو به‌رو می‌شوند^{۲۶}. بر این اساس و طبق فرضیه‌های نوکارکردگرایی «ارنست هاس» (فرضیه برون‌گرایی)، این کشورها یا خواستار پیوستن به آن می‌شوند و یا خود، اتحادیهٔ منطقه‌ای دیگری را تأسیس می‌کنند. در هر دو حالت، احتمال همکاری گسترده‌تر بین اعضا در منطقه افزایش می‌یابد.

در سال‌های اخیر دو طرح در زمینهٔ همگرایی اقتصادی در خاورمیانه ارائه شده است: یکی ایجاد منطقهٔ آزاد تجاری میان کشورهای اتحادیهٔ اروپا و کشورهای جنوب مدیترانه و دیگری طرحی است که شیمون پرز در کتاب خود، «خاورمیانه جدید»، مطرح کرده و خواستار تشکیل یک سازمان اقتصادی خاورمیانه‌ای شده است. مصر خواستار نقش آفرینی مؤثر در هر دو فرایند مدیترانه‌ای و خاورمیانه‌ای است. در مورد اول، مصر یک موافقتنامه با اروپا امضا کرده و برای ایفای یک نقش مؤثر در این اتحادیه، درصدد نزدیک‌تری بیشتر به ایران برآمده است؛ زیرا ایران روابط نزدیکی با اروپا دارد. توسعهٔ روابط مصر با ایران به ایفای نقش مؤثرتر این کشور در این فرایند کمک می‌کند. با این حال، این طرح با برخی محدودیت‌ها از سوی طرف اروپایی رو به‌رو است و امید زیادی برای تحقق آن وجود ندارد.

مصر همچنین خواستار ایفای نقش مؤثر در سازمان اقتصادی خاورمیانه است. اما

چون این طرح از سوی اسرائیل پیشنهاد شده است با دیده تردید به آن می‌نگرد و در مورد آن نگرانی جدی دارد.^{۲۷} ایران نیز در این مورد با مصر شریک بوده، این طرح را که موجب برتری اسرائیل در منطقه می‌شود، رد کرده است. طرح خاورمیانه جدید خود عاملی برای نزدیکی بیشتر مصر و ایران به یکدیگر شده است. طرح خاورمیانه جدید ایران را مستثنا می‌کند و در واقع، یکی از اهداف آن انزوای ایران است. مصر نیز معتقد است که این طرح خطری برای نقش منطقه‌ای این کشور محسوب می‌شود و آن را در درون مرزهایش محصور می‌کند. در این طرح اسرائیل نقش اصلی را بر عهده خواهد داشت.

در طرح اسرائیل که آمریکا نیز از آن حمایت می‌کند، ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای عرب و غیرعرب در خاورمیانه پیش‌بینی شده است. در این طرح موقعیت کشورهایی مانند اردن، قطر، عمان و ترکیه که مناسبات خوبی با اسرائیل و آمریکا دارند تقویت خواهد شد.^{۲۸}

در هر صورت، ایجاد یک سازمان اقتصادی خاورمیانه‌ای مستلزم چند پیش شرط است:

(۱) کشورهای خاورمیانه سیاست تعدیل کلان اقتصادی را به‌طور موفقیت‌آمیز و اساسی به‌مورد اجرا گذارند؛

(۲) زمینه‌های سیاسی و ساختاری لازم را برای همگرایی فراهم سازند. تا زمانی که بی‌اعتمادی‌های متقابل هم میان دولت‌ها و شهروندان آنها، و هم میان خود دولت‌ها در سطح بالایی است، منطقه‌گرایی بیشتر یک موضوع نمادین باقی خواهد ماند. بنا بر این، باید بین دولت‌های منطقه با یکدیگر و نیز بین دولت‌ها و شهروندان آنها اعتمادسازی صورت گیرد؛

(۳) برقراری صلح در منطقه شانس همکاری درونی میان کشورهای منطقه را افزایش

خواهد داد، اما دورنمای این امر نیز امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد و تحقق آن ممکن است سال‌ها به طول انجامد؛

۴) حتی در یک سناریوی صلح، ممکن است ثمرات بالقوه این فرایند در روابط اقتصادی با خارج منطقه باشد تا با داخل منطقه^{۲۹}.

به نظر می‌رسد که استراتژی مسلط در آینده دو جانبه‌گرایی خواهد بود نه منطقه‌گرایی یا چند جانبه‌گرایی. حتی در صورتی که اختلافات ملی و جهانی شدن استیلا یابد، بعید نیست که بقای خاورمیانه به عنوان سیستمی متمایز رنگ بازد و کشورهای کمربند شمالی، خلیج فارس و حوزه دریای مدیترانه، هر یک راه‌های متفاوتی را در پیش گیرند. عالی‌ترین سطح قابل حصول در زمینه منطقه‌گرایی، ترتیبات دو جانبه و گونه‌ای از همکاری‌های کارکردی در چارچوب گروه‌های ۸ و ۱۵ و سازمان کنفرانس اسلامی خواهد بود که در پی می‌آید.

گسترش روابط ایران و مصر در چارچوب گروه «دی - ۸»

گروه دی - ۸ متشکل از هشت کشور ایران، مصر، ترکیه، اندونزی، بنگلادش، نیجریه، پاکستان و مالزی در سال ۱۹۹۶ تشکیل شد. این گروه ۳ رکن اصلی دارد: اجلاس سران، شورای وزیران و کمیسیون مقام‌های ارشد. اجلاس سران و شورای وزیران (وزرای خارجه) سالی یک بار و کمیسیون مقام‌های ارشد دو بار تشکیل جلسه می‌دهد. گروه دی - ۸ یک دفتر اجرایی و یک مدیر اجرایی دارد که هماهنگی بین اعضا، تبادل اطلاعات و نظارت بر نشست‌ها را بر عهده دارد.

نخستین اجلاس سران در ژوئن ۱۹۹۷ در استانبول برگزار شد. بر اساس بیانیه منتشره اولین اجلاس سران، اهداف گروه دی - ۸ توسعه اقتصادی - اجتماعی، تقویت موقعیت کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی، ایجاد تنوع و موقعیت‌های جدید

در روابط بازرگانی، تقویت حضور در تصمیم‌سازی در سطح بین‌المللی و ارتقای سطح زندگی مردم کشورهای عضو با توجه به اصول زیر خواهد بود:

- صلح به‌جای منازعه،
- گفتگو به‌جای رویارویی،
- همکاری به‌جای استعمار،
- عدالت به‌جای بی‌عدالتی،
- تساوی به‌جای تبعیض،
- مردم‌سالاری به‌جای اقتدارگرایی.

در نخستین اجلاس سران، ۱۰ گروه کاری تشکیل شد و بیش از ۵۰ طرح که از سوی اعضا برای همکاری ارائه شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. از میان این طرح‌ها، ۲۵ طرح تصویب شد که ۶ طرح به عنوان طرح‌های اولویت‌دار تعیین و بر اجرای سریع آنها تأکید شد.^{۳۰}

- (۱) ایجاد شبکه بانک اطلاعات صنعتی و فن‌آوری در ایران؛
 - (۲) ایجاد شرکت بین‌المللی بازاریابی و بازرگانی در مصر؛
 - (۳) ایجاد کارگاه آموزشی فقرزدایی در اندونزی؛
 - (۴) ایجاد طرح تکافل (بیمه اسلامی) در مالزی؛
 - (۵) همکاری در پرورش آبزیان در آبگیرهای داخلی و ساحلی در پاکستان؛
 - (۶) طراحی، توسعه، تولید و بازاریابی هواپیماهای کشاورزی در ترکیه.
- دومین اجلاس سران گروه در فوریه ۱۹۹۸ در بنگلادش برگزار شد. در این اجلاس بیانیه‌ای در ۲۳ ماده منتشر شد که ضمن تأکید بر اصول، اهداف و برنامه‌های گروه، نکات زیر را در بر می‌گرفت:

- (۱) لزوم هماهنگی کشورهای عضو با جهانی شدن اقتصاد؛

۲) لزوم مشاوره با نهادهای بین‌المللی مالی جهت کاهش اثرات بحران‌های مالی جهانی؛

۳) توافق بر قطعیت توسعه پایدار؛

۴) ضرورت ظهور یک رژیم تجاری قانونمند مانند آنچه در سازمان تجارت جهانی نهادینه شده است؛

۵) تأکید بر ضرورت ارائه منابع کافی به کشورهای در حال توسعه به منظور سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی نهادینه و توان مقابله با چالش‌های اقتصاد جهانی و نظام تجارت آزاد؛

۶) تأکید بر اهمیت دستیابی به بازارهای جهانی، ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کاهش بار بدهی‌های خارجی؛

۷) لزوم شناخت ظرفیت همکاری کشورهای عضو برای ارتقای تجارت؛

۸) استقبال از پیشنهادها و طرح‌های کشورهای عضو در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی کردن مناطق روستایی، شبکه‌های تأمین اجتماعی، طرح‌های انرژی و محیط زیست؛

۹) استقبال از پیشنهادهای مربوط به برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه بانکداری و مالیة اسلامی، بیمه و... با هدف توسعه همکاری میان کشورهای عضو^{۳۱}.

سومین اجلاس سران در فوریه ۲۰۰۰ در قاهره برگزار شد. در پایان این اجلاس «بیانیه قاهره» انتشار یافت که در آن بر نکات زیر تأکید شده بود:

۱) بررسی راه‌های مقابله با جهانی شدن اقتصاد؛

۲) افزایش مبادلات تجاری میان کشورهای عضو به ۲ برابر در مدت ۵ سال به نحوی که از ۳/۵ درصد به ۷ درصد برسد؛

۳) کاهش فاصله بین کشورهای فقیر و غنی که این فاصله در حال افزایش است؛

۴) ایجاد یک نظم تجاری جهانی برای ایجاد تعادل میان تجارت بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه.

در این اجلاس شبکه بانک اطلاعات صنعتی و فن آوری توسط ایران به عنوان مقدمه طرح ایجاد و توسعه تجارت الکترونیک بین کشورهای عضو افتتاح شد. همچنین موافقتنامه تسهیل تشریفات اعطای روادید به بازرگانان کشورهای عضو به امضا رسید. این موافقتنامه توسط ایران تهیه شده بود.^{۳۲}

گسترش روابط ایران و مصر در چارچوب «گروه ۱۵»

گروه ۱۵ در جریان برگزاری نهمین نشست سران کشورهای جنبش عدم تعهد در بلگراد در سپتامبر ۱۹۸۹ تشکیل شد. نخستین اجلاس سران این گروه با شرکت ۱۵ کشور در حال توسعه در سال ۱۹۹۰ در مالزی برگزار گشت. تعداد اعضای این گروه افزایش یافته و به ۱۹ عضو رسیده است، اما همچنان به عنوان گروه ۱۵ شناخته می شود. جمهوری اسلامی ایران در جریان دهمین اجلاس سران گروه در قاهره در سال ۲۰۰۰ به عضویت پذیرفته شد. مصر از عضویت ایران در این گروه پشتیبانی کرد. پس از پذیرش عضویت ایران، حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، با رئیس جمهور ایران تلفنی تماس گرفت و عضویت ایران را تبریک گفت. این نخستین تماس تلفنی در سطح مقامات بلند پایه دو کشور بعد از ۲۱ سال از زمان قطع روابط سیاسی ایران و مصر بود.^{۳۳}

مبارک در این مکالمه تلفنی بهترین سلامها و درودهای خود را به رئیس جمهور، دولت و ملت ایران تقدیم و از عضویت ایران در گروه ۱۵ ابراز خرسندی کرد. وی ابراز امیدواری کرد که روابط دو کشور در آینده هر چه بیشتر گسترش یابد. رئیس جمهور ایران نیز در این گفتگو، دو ملت ایران و مصر را بزرگ، متمدن و با سابقه خواند و با اشاره به نقش ممتاز دو کشور در ایجاد تمدن اسلامی، ابراز امیدواری کرد که دو ملت بتوانند

بیشتر و بهتر در عرصه روابط دو جانبه برای ایفای نقش ممتاز خود در صحنه بین‌المللی تلاش کنند. رئیس‌جمهور ایران همچنین از حمایت‌ها و تلاش‌های مصر برای عضویت ایران در گروه ۱۵ قدردانی کرد.

عضویت ایران در گروه ۱۵ منجر به تقویت موقعیت سیاسی ایران در جهان می‌شود و ایران خواهد توانست در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی میان قاره‌ای و بین‌المللی شرکت مستقیم داشته باشد. عضویت ایران همچنین منجر به وحدت مواضع کشورهای در حال توسعه در قبال مسائل مهم بین‌المللی از جمله روند جهانی شدن خواهد شد. یکی از دلایل پذیرش ایران در این گروه، ضرورت‌های جدید این گروه جهت ایفای نقش فعال‌تر در اقتصاد جهانی است.

برخی از اهداف گروه ۱۵ عبارت‌اند از: آمادگی برای عینیت بخشیدن به قابلیت کشورهای عضو برای همکاری مؤثر و مفید؛ طراحی و اجرای برنامه‌های جدید برای همکاری‌های جنوب - جنوب؛ پیگیری سازنده و مؤثر مذاکرات شمال - جنوب و یافتن راه‌های غلبه بر مشکلات و موانع؛ ایجاد یک نظم جهانی عادلانه‌تر در تجارت جهانی؛ بررسی روند جهانی شدن و تأثیرات آن بر کشورهای در حال توسعه؛ افزایش میزان تجارت میان کشورهای عضو؛ رایزنی مستمر میان کشورهای عضو برای هماهنگی سیاست‌ها در سطح جهانی و مساعدت برای قانونمند کردن و اجرای همکاری‌ها^{۳۴}.

گروه ۱۵ و گروه دی - ۸ در اجرای برنامه‌ها و تصمیمات خود تاکنون موفقیت چشمگیری نداشته‌اند. این دو گروه با مشکلات و موانع متعددی روبرویند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

(۱) عدم شناسایی امکانات و توانمندی‌های اقتصادی یکدیگر؛

(۲) ناهمگونی شدید توسعه اقتصادی بین اعضا؛

(۳) بُعد مسافت و پراکندگی جغرافیایی؛

- (۴) مکمل نبودن اقتصاد کشورهای عضو و بی‌نیازی آنها از بخشی از کالاهای یکدیگر؛
- (۵) وابستگی به کشورهای غیراسلامی به دلیل عضویت در دیگر پیمان‌ها؛
- (۶) وجود موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بین اعضا؛
- (۷) عدم برخورداری از تسهیلات اعتباری برای تأمین مالی واردات یا صادرات؛
- (۸) پایین بودن کیفیت کالاهای تولیدی؛
- (۹) وجود اختلاف بین کشورهای عضو و تیرگی روابط سیاسی برخی کشورهای عضو با یکدیگر؛
- (۱۰) ناهمگونی توسعه سیاسی اعضا؛
- (۱۱) وابستگی اقتصاد کشورهای عضو به اقتصاد کشورهای غربی.

گسترش روابط ایران و مصر در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۶۹ ایجاد شد و هم‌اکنون ۵۵ کشور اسلامی عضو آن هستند. ایران در تلاش‌های اولیه برای تشکیل سازمان نقش داشت و در سال ۱۹۵۶ پیشنهاد تأسیس چنین سازمانی را ارائه کرده بود. هدف ایران از این امر برقراری روابط نزدیک‌تر با کشورهای عربی و حل مسائل جهان اسلام بود. اما کشورهای عربی از پیشنهاد ایران استقبال نکردند. به هر حال، زمانی که عربستان سعودی در ۱۹۶۹ چنین پیشنهادی را مطرح کرد، ایران نخستین کشوری بود که از آن استقبال کرد.

هدف‌های سازمان طبق منشور آن، عبارت‌اند از:

- (۱) ارتقای همبستگی میان کشورهای عضو؛
- (۲) حمایت از همکاری میان کشورهای عضو در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و دیگر موارد اساسی، و مشورت میان کشورهای عضو در سازمان

بین‌المللی؛

۳) تلاش در جهت محو تبعیض نژادی و خاتمه بخشیدن به استعمار در همه اشکال آن؛

۴) اتخاذ تدابیر لازم برای پشتیبانی از صلح و امنیت بین‌المللی مبتنی بر عدالت؛

۵) هماهنگ کردن تلاش‌ها به منظور حفاظت از اماکن مقدس و آزادسازی آنها و پشتیبانی از مبارزه ملت فلسطین و کمک به فلسطینیان در جهت احقاق حقوق ایشان و آزادی سرزمین‌های اشغالی؛

۶) پشتیبانی از مبارزه همه ملل اسلامی در راه حفاظت از کرامت، استقلال و حقوق ملی آنها؛

۷) ایجاد جوّی مناسب به منظور ارتقای همکاری و تفاهم میان کشورهای اسلامی و دیگر کشورها.

در زمینه عملی برخی از مهم‌ترین اقدامات سازمان عبارت‌اند از:

۱. در زمینه مسائل سیاسی، موضوعات مهمی مانند مسئله فلسطین، افغانستان، کشمیر، سومالی، بوسنی و هرزگوین در سازمان مطرح شده است. موضوعات دیگری نیز مانند امنیت، همبستگی اسلامی، خلع سلاح و دگرگونی‌های جاری در جهان از مسائلی است که سازمان آن را پی‌گیری می‌کند.

۲. در زمینه مسائل فرهنگی و اجتماعی، سازمان فعالیت خود را بر ایجاد دانشگاه‌های اسلامی، حمایت مادی و معنوی از بعضی مراکز فرهنگی و تدوین یک استراتژی فرهنگی مدرن متمرکز کرده است.

۳. در زمینه اقتصاد، مهم‌ترین اقدام سازمان تأسیس بانک توسعه اسلامی و تعدادی مؤسسات اقتصادی دیگر بوده است. بسیاری از کشورهای عضو بانک توسعه اسلامی از وام‌ها و شرکت این بانک در طرح‌های توسعه‌ای خود استفاده می‌کنند. جمهوری

اسلامی ایران یکی از کشورهای معدودی است که دارای بالاترین سهم سرمایه‌گذاری در این بانک می‌باشد، اما به‌طور محدودی از وام‌ها و سایر امکانات این بانک استفاده می‌کند.

هشتمین اجلاس سران سازمان در سال ۱۹۹۷ در تهران برگزار شد. این نخستین اجلاس سران بود که از زمان تشکیل سازمان در ایران برگزار می‌شد. اجلاس تهران، بزرگترین گردهمایی‌ای بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سطح سران در ایران برپا می‌شد. در این اجلاس، رئیس‌جمهور ایران برای یک دوره ۳ ساله ریاست سازمان را برعهده گرفت. این امر منجر به احراز جایگاهی بهتر برای ایران در سازمان شد و بر بهبود روابط ایران با کشورهای عربی تأثیرات مثبت برجای گذارد. در این مورد می‌توان به اعزام نماینده ویژه از سوی پادشاه عربستان به ایران و موضع‌گیری‌های مثبت مصر اشاره کرد.

عمرو موسی، وزیر امور خارجه مصر، در رأس هیئتی در اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران شرکت کرد. این نخستین بار بود که وی به ایران سفر می‌کرد و بیانگر آغاز مرحله‌ای نو در روابط دو کشور بود. عمرو موسی در مدت اقامت خود در تهران با مقامات عالیرتبه ایران ملاقات و مذاکره کرد. وی در ملاقات با رئیس‌جمهور ایران، گفت: «ایران کشور بسیار بزرگ و مهمی در منطقه است و نمی‌توان نقش تعیین‌کننده آن را نادیده گرفت. ما همواره آرزو داشته‌ایم ایران و مصر روابط دوستانه داشته باشند.» رئیس‌جمهور ایران نیز ابراز امیدواری کرد که ایران و مصر دو محور صلح، رشد و پیشرفت در منطقه و جهان باشند.^{۳۵}

عمرو موسی در اجلاس تهران حضور سازنده‌ای داشت. مواضع مصر با ایران برای تشکیل کمیته‌های هشت‌گانه پیگیری تصمیمات متخذه برای گسترش همکاری کشورهای عضو، هماهنگ بود. مصر همچنین از دعوت ایران برای تشکیل کنفرانس

بین‌المجالس کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی حمایت کرد. در مقابل، ایران نیز از دبیر کلی مصر برای اتحادیه پارلمان‌های کشورهای اسلامی پشتیبانی نمود. هدف این اتحادیه تحکیم روابط بین کشورهای اسلامی و هدایت گفتگو با کشورهای غیراسلامی است.

اولین اجلاس مجالس کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۹ در تهران برگزار شد و رئیس کمیته روابط خارجی مجلس مصر به‌عنوان نماینده این کشور در آن شرکت کرد. وی در مدت اقامت خود در تهران با مقامات ایران دیدار و گفتگو کرد. دومین اجلاس این اتحادیه در قاهره برگزار شد و محسن میردامادی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ایران، در آن شرکت کرد.

به‌طور کلی اجرای طرح‌های فراگیر منطقه‌ای در خاورمیانه به‌علت مشکلاتی که منطقه با آن روبه‌رو است، امکان‌پذیر نمی‌باشد. به‌همین دلیل، تاکنون هیچ طرح منطقه‌ای که تمام کشورهای خاورمیانه را در برگیرد، موفق نبوده است. این امر به‌رغم این واقعیت بوده است که ایران و مصر در برخی طرح‌ها و مسائل خاورمیانه با یکدیگر اشتراک نظر داشته‌اند. بنا بر این، ایران و مصر نمی‌توانند حداقل در کوتاه مدت در چارچوب طرح‌های فراگیر منطقه‌ای با یکدیگر همکاری داشته باشند، اما امکان توسعه روابط ایران و مصر در چارچوب گروه‌های کارکردی و دو جانبه وجود دارد.

منابع و مأخذ

۱. مردم سالاری، ۲۵ شهریور ۱۳۸۱.
 2. http://www.peiknet.com/page/tabs/shahrivar/p54_araleston.htm.20/06/1381.
 ۳. برای اطلاع از سوابق مربوط به تجزیه خوزستان:
اصغر جعفری ولدانی، «طرح‌های تجزیه خوزستان»، فصلنامه سیاست خارجی، سال دوم، شماره ۲، فروردین - خرداد ۱۳۶۷، ص.ص. ۲۰۵-۱۸۹.
و برای اطلاع از گزارشات اخیر در مورد احتمال تجزیه مجدد خوزستان ایران: «آینده خوزستان پس از حمله نظامی به ایران» به نقل از:
 4. http://www.peiknet.Com/page/tabs/mordad/p43_khuzestan.htm. 20/06/1381.
 ۴. مردم سالاری، ۲۵ شهریور ۱۳۸۱.
 ۵. مردم سالاری، ۲۶ مرداد ۱۳۸۱.
 ۶. ایران، ۲۸ مرداد ۱۳۸۱.
 ۷. مردم سالاری، ۲۶ مرداد ۱۳۸۱.
 ۸. مردم سالاری، ۲۲ مرداد ۱۳۸۱.
 ۹. ایران، ۲۷ مرداد ۱۳۸۱.
 ۱۰. ایران، ۲۹ مرداد ۱۳۸۱.
 ۱۱. ایران، ۳۱ شهریور ۱۳۸۱.
 ۱۲. همبستگی، ۲۴ شهریور ۱۳۸۱.
 ۱۳. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰، ص ۶.
 ۱۴. هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ص ۵۱ - ۱۵۰.
 ۱۵. شرقاوی، پیشین، ص ۱۰۶.
16. Dina Ezzat, A Conditional Report, Al-Ahram weekly online, 26Nov -

- 2 Dec. 1998, Issue No, 405, <http://www.ahram.org.eg/weekpy/1998/405eg.A.htm>.
17. *Christian Science Monitor*, march 1. 1991.
18. Doran F. Charles and Stephen W. Buch. (eds). *The Gulf, Energy & Global Security* (Bovlder: Lynne Rienner Publisers. 1991) pp. 189 - 208.
۱۹. جهانگیر معینی علمداری، «ملاحظاتى درباره طرح نظم امنیتی جدید در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۰، صص ۷۳-۷۲.
۲۰. مهدی مظفری، «درباره طرح غیر اتمی شناختن خاورمیانه»، روابط بین‌الملل، شماره ۴، پاییز ۱۳۵۳.
21. Mahmoud Karem, *A nuclear weapons free zone in the Middle East: problems and prospects* (New york: Green - wood press, 1988) p.84.
۲۲. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۴، صص ۷۷-۲۷۴.
23. Shlomo Aronson and Oded Brosh, *The Politics and Strategy of Nuclear Weapons in the Middle East: Capacity, Theory and Reality, 1960 - 1991. An Israeli Perspective* (New york, state University of New york. 1992) p.69.
24. Rebecca Stevens and Amin Tarzi. "Egypt and Middle East Resolution at the NPT 200 Review Conference." <http://cns.miis.edu/pubs/reports/egypt/.htm>
25. Jan Prawitz and James F. Leonard, "A Zone Free of Weapons of Mass Destruction in Middle East", *UNIDIR*, 1996. p.63.
۲۶. یحیی فتحی، «مقایسه تطبیقی تأثیرات دو رویکرد جهانی شدن اقتصاد و منطقه‌گرایی بر تجارت جهان»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۱، صص ۷-۱۴۶.
۲۷. شرفاوی، پیشین، ص ۱۰۹.
28. Dina Ezzat, Op. Cit.
۲۹. پل آرتز، «خاورمیانه: منطقه‌ای بدون منطقه‌گرایی یا پایان استثناگرایی»، ترجمه عباس حاتمی زاده، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱۶۲-۱۶۱، بهمن و

اسفند ۱۳۷۹، ص ۹۷.

۳۰. اصغر جعفری ولدانی، «نقش جدید ترکیه در منطقه»، فصلنامه پژوهش‌ها و

سیاست‌های اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۰۷.

۳۱. مجله اقتصادی، دوره دوم، سال اول، شماره ۸ (خرداد ۱۳۸۱)، ص ۶۲-۶۱.

۳۲. جمهوری اسلامی، ۱۴ و ۱۶ اسفند ۱۳۷۹.

33. [http://www.metimes.com/2k/issue 200-25/eg/ presidents of Egypt. htm](http://www.metimes.com/2k/issue%200-25/eg/presidents%20of%20Egypt.htm).

۳۴. هفته نامه اطاق بازرگانی، شماره ۱۰، سال ۱۳۷۹، ص ۴۲.

۳۵. واحد مرکزی خبری، ۱۸ آذر ۱۳۷۶.

